



پانزدهم یازدهم شورای
مرکزی سازمان برگزار شد!

بیاد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتبر!

اعلامیه پایانی نشست مشترک حزب
کمیونیست ایران واحد استرالیا و سازمان
اتحاد فدائیان کمیونیست واحد استرالیا

اعتراضات کارگری همچنان گسترش مییابد!

ارائه ارزیابیها و تصمیمات بانگ جهانی و صندوق بین
المللی پول از روند اقتصادی و نحوه خصوصی سازی
در ایران و تشویق سران رژیم به پیشبرد سیاست ها و
رهنمود های این دو نهاد سرمایه داری جهانی و
رایزنیهای مداوم نمایندگان آنها با سران و رهبران
جمهوری اسلامی، نتایج خود را در فشار اقتصادی،
اجتماعی و سیاسی باز هم بیشتر به طبقه کارگر
برجای گذاشت. این فشارها و تضییقات زاید الوصف
که زندگی کارگران را با مشکلات عدیده اقتصادی و
اجتماعی مواجه کرده است به گسترش اعتراضات
کارگری در اقصی نقاط ایران منجر شده و در عین
صفحه ۲

به یاد چه گوارا!!



صفحه ۲

حضور طبقه کارگر متشکل شرط نخست پیروزیست!

طی هفته گذشته نیز کارگران بسیاری از واحد های
صنعتی، معدنی و بویژه نساجیها با دست زدن به
اشکال مختلف مبارزات از جمله اعتصاب، تظاهرات و
تحصن خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.
از جمله کارگران جامکو، بارش اصفهان، ونساجی
رحیم زاده از مجموعه صنایع نساجی و کارگران
کارخانه تراکتور سازی تبریز، معادن فاریاب و
پالایشگاه فروآلیاز با دست زدن به اعتصاب و تحصن
و تظاهرات خواستار تحقق مطالبات خود شدند
کارگران همه این کارخانه ها تقریباً خواست ها و
مطالبات یکسانی دارند و تاکنون نیز بارها دست به
اعتصاب، تحصن و راهپیمائی زده اند اما متأسفانه
بدلیل فقدان یک تشکل سراسری و بویژه نبود
صفحه ۵



توهم صلح در افغانستان

فواد بیانی

در دایره شوم تعویض حکومت مجاهدین افغان،
طالبان و بار دیگر مجاهدین (جبهه متحد شمال)
تنها کسانی که حرفی برای گفتن ندارند مردم
محروم و ستمدیده افغانستان هستند. بازنده اصلی
این بازیهای سیاسی خطرناک تعویض مهره ها تنها
و تنها مردم جنگ دیده و زجر کشیده افغان
هستند. این مردان زنان و کودکان شهرها و دهات
افغانستان هستند که هر از چندگاهی یکبار
باروبندهای خود را بدوش گرفته و از خانه و
زندگی خود آواره میگردند. این کودکان افغانی
هستند که در آمد و رفت سرداران جدید (بخوان
سرسپردگان) رسم گدائی و سرسپردگی تجربه
میکنند، این مردان افغان هستند که برای حفظ
جان خانواده خود گاهی در زیر علم مجاهد و گاه
در زیر علم طالبان سینه میزند.

بازی تعویض مهره های شطرنج سیاست افغانستان
توسط آمریکائیه و عوامل پاکستانی آنها اما همیشه
بر طبق نقشه هاو پیش بینی های آنها پیش نمی رود.
گاه نقشه های شوم آنها دامان خود آنها را نیز
میگیرد و واقعیتها گاه سرسخت تر از آند که تنها
با تغییرات مهره ای و یا مهره هائی بشود آنها را
عوض کرد.

بررسی اوضاع کنونی افغانستان با توجه به خبررسانی
محدود و کنترل تمام عیار آمریکا تنها بر کانالهای
خبری آسان نخواهد بود. در حال کنونی تمامی
خبرگزاریها تنها آنچهان که آمریکائیهها مایلند
مسائل را انتقال میدهند و تحلیل میکنند. اما تکیه
بر تجربیات گذشته، شناخت ماهیت سرکرده
امپریالیسم جهان و اقدامات این ابر قدرت در
بخشهای دیگر جهان و شناخت از اهداف پشت
پرده چنین عملیاتی کمک بزرگی خواهد بود برای
بیرون آمدن از محدوده خبری کنترل شده
امپریالیستی و پیدا کردن دیدگاهی مستقل که
امکان بررسی مسائل از زاویه ای انسانی را ممکن
میسازد.

چپ بطور عموم بر اهداف پنهان آمریکا در زمینه
اقتصادی و سیاسی توافق نظر داشته و این نظرات
مشخصاً در نشریات و ادبیات این گروه ها از جمله
در نشریات و اطلاعاتی های ما منعکس گشته.
از اینکه آمریکا و سیستم سرمایه داری عموماً باعث و
بانی تروریسم و وجود جریانات بقایت ارتجاعی و
عقب افتاده و ارتجاعی و جانی همچون طالبانهای
افغانستان هست شکی نیست، چیزی که امروزه حتی
در ادبیات راست نیز گاهاً مورد اشاره قرار میگیرد.

بقیه در صفحه ۲

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

هدف آمریکا از روز اول در افغانستان همانند حضور نظامی و سیاسی این ابر قدرت در هر جای دیگر منافع اقتصادی و سیاسی مشخص ایالت متحده بوده است. اما آمریکای بزرگ هم بارها نشان داده که قادر نیست منافع درازمدت خود را تامین کند، به همین دلیل هم پله به پله بدنبال هدفهای کوتاه مدت جانورانی پرورش میدهد که گاه گاه پاچه صاحب خود را نیز میگیرند. سناریوهای آمریکائیهما برای افغانستان هیچگاه در گذشته موفق نبوده اند و هیچ چشم اندازی نیز برای سناریوی آینده آنها نیز وجود ندارد. اولین سناریوی آمریکا با هدف افغانستان بدون نفوذ شوروی شروع شد. اولین سناریو با خروج نیروهای شوروی و روی کار آمدن مجاهدین افغان بوقوع پیوست، اما تنها کسب قدرت توسط عده ای قدرت طلب و قاچاقچی و جانی نتوانست افغانستان را به محیطی مناسب برای آمران خود تبدیل کند. زمانی نگذشت که جنگ داخلی برای غارت سهم بیشتری از منطقه تمامی افغانستان را در بر گرفت بطوری که امنیت نسبی منطقه و کشورهای همسایه همچون پاکستان نیز بخاطر افتاد گروه های مجاهد و خانهای محلی همچون گرگهای گرسنه بر سر مال مردم همدیگر را دریدند. کابل کارزار یاغیان کسب قدرت شدو مردم افغانستان به جنگی دائمی کشیده شدند.

وجود چنین افغانستانی هر چند بدون نفوذ شوروی مورد مناسبی برای آمریکائیهما نیز نبود. با تسلسل شوروی و تضعیف آن و مستقل گشتن مناطق آسیای مرکزی، افغانستان نیز بعنوان کشوری با موقعیت مناسب اقتصادی جلوه گر شد. منابع نفت و گاز آسیای میانه بطریقی باید تخلیه شود و سود آن به جیب شرکتهای آمریکائی سرازیر گردد(رجوع شودسنارانی جان مارسه کا در کنفرانس ۱۹۹۸ (در عرصه سیاسی نیز آمریکا

دیگر مانع و رقیبی برای دخالت در افغانستان نداشت، روسیه با تجربه تلخ شکست در افغانستان و با ضعیف کنونی قادر به مقابله با سیاست های آمریکا نبود، ایران نیز هیچگاه نتوانست در افغانستان جای پائی باز کند و هرگاه تلاش نمود با شکست مواجه شد و پاکستان تنها کشوری که انگیزه، توان و موقعیت شرکت در عرصه سیاسی افغانستان را داشت سرسپرده آمریکا بود. تنها موانع بزرگ دخالت مستقیم آمریکا در منطقه در درجه اول فکار عمومی جهان و در درجه دوم ترس از تکرار تجربه روسیه بود. لذا بهترین تاکتیک تسلط بر افغانستان از طریق پاکستان و نیروهای طرفدار پاکستان بود. طلبه های مدارس مذهبی پاکستان از دیر باز از لحاظ ایدئولوژی در جنگ با کفار روس خود را آماده ساخته بودند، لذا در شرایط بحرانزده افغانستان و در هرج و مرج درگیریهای گروههای مجاهد آلترناتیوی با پشتوانه قوی مالی و نظامی پا بعرصه سیاست افغانستان گذاشت و در مدت زمان کوتاهی تقریباً تمامی مناطق افغانستان را تحت کنترل خود درآورد، به امید ایجاد امنیت در منطقه هم برای گذار لوله های نفت و گاز آسیای میانه و هم برای مردم جنگ دیده و هراسیده و بغارت رفته افغان.

اما ارمغان امنیت طالبان توهمی بیش نبود، مردم افغانستان بجای امنیت بدترین کابوسهای خود را

تجربه کردند. اقشار مختلف مردم و خصوصاً زنان لحظاتی را بر خود دیدند که حتی در صدر اسلام ۱۴۰۰سال پیش نیز سابقه نداشت. شرکتهای آمریکائی نیز از امنیت طالبانی خیری ندیدند، لغو قراردادهای گذار لوله های نفتی عملاً طالبان را از محدوده تسلط آمریکا بیرون برد و طالبان به نیروی سرکشی تبدیل شد که با شعار اللاکبر آمریکا را تهدید می نمود. بدین ترتیب سناریوی دوم آمریکا یعنی امنیت به هر قیمتی نیز به شکست انجامید.



در افغانستان با این بازیهای سیاسی تنها توهمی بیش نیست. نه آمدن طالبان توانست صلح را در افغانستان تامین کند و نه رفتن آنها. ساختار جامعه افغانستان در نزدیک به سه دهه گذشته چنان با دخالت خارجیان درهم ریخته که نه تنها اینچنین صلحی را غیرممکن میسازد بلکه همزیستی مشروط گروههای سیاسی این کشور را نیز غیرممکن ساخته. هنگامی که ساختار اصلی یک جامعه آنچنان مورد هجوم قرار میگیرد که مسائل قبیله ای، ملی و مذهبی در عرصه سیاسی عمده میگردد. هنگامی که حتی یک آلترناتیو چند درصدی خارج از چارچوب روسای قبیله ها امکان رشد نیابد، ستونهای اصلی جامعه بر هم ریخته و بر این خرابه طاقی نمیتوان زد. برنامه آمریکا برای تحمیل صلحی ساختگی بزور شمشیر و با تکیه بر جانیان سابق قادر نخواهد بود در درازمدت کارساز باشد. آمریکا می رود که تجربه تلخ شوروی را تکرار کند. عقب نشینی سریع طالبانها و ورود جبهه متحد شمال به کابل بر خلاف تاکید صریح آمریکا و انگلیس نشاندهنده آن بود که جبهه متحد شمال خود را برای سهم بزرگی از افغانستان آماده نموده، و سناریوی بازگشت ظاهر شاه آنچنان که آمریکائیهما برنامه ریزی کرده بودند قابل قبول آنها نیست. در این هفته کنفرانس اوضاع افغانستان در آلمان برگزار میشود، قیم های مردم افغانستان میروند که به توافقی بر فراز سر مردم افغانستان بر سر منافع این ملت آواره برسند. اشتباه اصلی که سرمایه داری جهانی و در راس آن آمریکا خصلتاً مرتکب میشوند همانا دخالت ندادن مردم در معادلات سیاسی است. فراموش نمودن نیروی اصلی تامین کننده صلح پایدار در افغانستان خطائی ناخوشودنی است که آمریکائیهما و نیروهای مرتجع آنها در آینده پرداخت خواهند کرد، همانطور که طالبانها پرداخت کردند. تنها نیروی متکی بر مردم و طبقات زحمتکش افغان است که میتواند آیندهای مناسب و صلحی پایدار را تامین کند، و نه ظاهر شاه و نه جبهه متحد شمال و نه هیچ قاچاقچی و یاغی دیگری. سناریوی آمریکا برای افغانستان اینبار نیز چشم انداز روشنی ندارد.

سناریوی دیگری باید طرح ریزی می شد، افغانستان دیگر تنها آلترناتیو پر سود گذار نفت و گاز آسیای میانه بود، بالا رفتن قیمت نفت، رکود اقتصادی بازار آمریکا، سقوط بازار بورس که به هیچ وجه حتی با کاهش نرخ بهره ها به نازل ترین سطح (یعنی باج دادن مستقیم دولت به بانکها و شرکتهای برای سر پا نگه داشتن آنها، برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به جهان کمونیستی شماره ۱۴ مراجعه شود) قابل کنترل نبود و آمریکائیهما را در وحشت برگشت بحران دهه ۳۰ فرود برده بود همه دلایل مهمی برای انتخاب اجرای سناریوی سوم بود.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هواپیماهائی ربوده شده و بر برجهای اقتصادی نیویورک فرود می آیند. تمام تحلیل گران دنیا عامل جنایت را بعد از کمتر از نیم ساعت از وقوع حادثه می شناسند. تمام مفسران درمورد بن لادن و افغانستان صحبت میکنند بدون اینکه کوچکترین خبری و یا مدرکی از ربایندگان ارائه شده باشد. توافق نظر جهانی است، هر کانال خبری را گوش می کنی مشخصاً و بطور صددرصد مشخص عاملان جنایت را معرفی کرده و تنها بر سر چگونگی مجازات آنها بحث وجود میشود. سناریو از پیش آماده بود تنها نشخوار چگونگی نحوه بازی خوراک مغزی مدیای دنیا بود اگر هم کسی شکی نسبت به موضوع داشت جرات بیان آن را نداشت.

جنگ باید شروع می شد، حتی اگر بن لادن نیز تحویل داده میشد. (رجوع شود به سخنان بوش بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر). بودجه های نظامی باید تضمین میشد، (۴۰۰ میلیارد دلار بلافاصله به امر مبارزه با تروریست اختصاص داده شد) که شد، بازارهای بورس نیز ترمیم شد (در دو ماه گذشته بازار بورس آمریکا دن جونز ۲۰٪ و ناسداک ۳۰٪ افزایش داشته اند)، مقام سرکردگی دنیا، پلیس جهانی و رهبری پلانماز آمریکا باید تامین میگشت که گشت (هیچ کشوری حتی جرات انتقاد به حرکتها آمریکا را نداشت، اگر کشوری همانند ایران در ظاهر اعتراض میکرد اما در پشت پرده به ماشات و همکاری می پرداخت)، صنایع نظامی میباید تقویت میشد، انبارهای سلاحهای قدیمی باید از

بقیه از صفحه ۱

اعتراضات کارگری ۰۰۰

حال عدم رسیدگی به مطالبات کارگران و سردواندن آنها توسط کارفرماها و دولت و نا کار آمدی مبارزات پراکنده کارگران را به سوی وحدت و همبستگی بیشتر سوق داده است. از جمله این اقدامات اعتراض کارگران نساجی کشور به مصوبه ضد کارگری مجلس ارتجاع در خصوص اجازه اخراج کارگران بمنظور تعدیل نیروی کار در این بخش از صنایع کشور بود. بدنبال مصوبه مجلس که اخراجهای دسته جمعی کارگران را به صورت یک قانون به تصویب رساند، هزاران نفر از کارگران کارخانه های نساجی کشور دست به تجمع اعتراضی، اعتصاب تظاهراتی و تحصن و غیره زدند. گسترده ترین اعتراضات در شهر اصفهان رخ داد که کارخانه های نساجی آن مدتهاست با بحران مواجه است. بدنبال مصوبه مجلس بیش از ده هزار تن از کارگران نساجی اصفهان در اعتراض به این مصوبه ضد کارگری دست به تظاهرات زدند. کارگران نساجیهای اصفهان که مدتهاست برای احقاق حقوق خود دست به اعتصاب و تظاهرات و تحصن میزنند این بار با توجه به خطر حتمی که قانونی کردن اخراج کارگران پیش آورده بود اقدام به سازماندهی مناسب تر خود کردند و با حرکت از مراکز کار و طی خیابانهای مرکزی شهر که با درگیری با نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم توأم بود در مقابل استانداری بهم گره خورده و به نیروی عظیم و متحدی تبدیل شدند. جالب توجه است که بیش از نیمی از این کارگران را زنان تشکیل میدادند و چه در طول مسیر راهپیمایی و چه در محل تجمع از سوی زحمتکشان محلات که سرنوشت خود را وابسته به سرنوشت کارگران میدانستند مورد حمایت قرار میگرفتند. کارگران در مسیر راه و در مقابل استانداری شعار میدادند:

مرگ بر مجلس!

گریه کارگر صدا نداره

مجلس بیشرم که حیا نداره!

حقوق کارگر پرداخت گردد نباید کارگر اخراج گردد از طرف برخی از کارگران مذهبی نیز شعار یا حجت ابن الحسن ریشه ظلم را بکن! سرداده میشد در مقابل استانداری لحظه به لحظه به تجمع کارگران اضافه میشد و این درحالی بود که نیروهای اطلاعاتی و انتظامی سراسر منطقه را محاصره کرده و کارگران را تهدید به سرکوب میکردند و سرانجام تجمع کارگران مورد حمله نیروهای سرکوبگر قرار گرفت و در این حمله که از گاز اشک آور گلوله های پلاستیکس و تیر اندازی استفاده شد تا کارگران را سرکوب و از اعتراضات آنها جلوگیری بعمل آورند اما کارگران با سردادن شعار و درگیری متقابل پاپلیس تا جایی که میتوانستند از حقوق حقه خود به مدافعه برخاستند. در تجزیه و تحلیل این اعتراضات و درگیریها روزنامه ها و خبرگزاریهای دولتی و سران تشکل های زرد و وابسته به رژیم سعی کردند تا تجمع اعتراضی و درگیری کارگران را از بی اطلاعی آنها از عدم صدور مجوز توسط وزارت کشور ذکر کنند. در حالی که کارگران علی العموم و کارگران نساجی که در سالهای اخیر بیشترین ضربات را از سیاست های

ضد کارگری رژیم متحمل شده اند علی الخصوص هر وقت که اراده کرده اند به خیابانها آمده واز بیان اعتراض خود ترسی بدل راه نداده اند. از جمله این سرسپردگان شاکرین دبیر اجرائی خانه کارگر اصفهان بود که در مصاحبه با ایسنا کارگران را «اغتشاشگر» و افرادی «خارج» از مجموعه کارگری نامید. این نوکر سرمایه داران و عامل رژیم در میان کارگران با بیان این اباطیل نشان میدهد که رژیم تا چه حدی در برابر گسترش جنبش کارگری در هراس بوده و تلاش میکند تا بلکه با ایجاد نهاد های کارگری وابسته بخود و در آوردن جنبش کارگری زیر مهیمز قوانین ارنجاعی موجود، جنبش اعتراضی آنها را به کنترل خود در آورد. این مهره رژیم در تشکل ارنجاعی و ضد کارگری خانه کارگر اظهار میدارد «عدم بازنگری در بند (د) قانون حمایت از صنایع نساجی در زمینه حضور نماینده ای از کارگران در هیات حل اختلاف نمیتوان به عدم تداوم اعتراضات کارگری امید وار بود» بدین ترتیب او وانمود میکند که گویا اعتراضات کارگران تنها به حذف حضور نماینده آنها در هیات حل اختلاف مربوط است. در حالیکه اعتراضات کارگران به کل مصوبه ضد کارگری انجام گرفته بود. این تمهیدات و تبلیغات که بمنظور کم رنگ جلوه دادن اعتراضات کارگری و گسترش آن به سایر واحد ها در نقاط دیگر کشور انجام میگردد به همینجا محدود نماند بلکه متعاقب آن خانه کارگر تهران در هماهنگی با وزرات اطلاعات، برنامه «مخالفت با جهانی سازی» را سازماندهی کرد و علاوه بر آن با هماهنگی با شورا های اسلامی، گردهمایی ۱۶ مهر کارگران صنایع نساجی در تهران را سازمان دادند، اما برغم اینکه دست اندر کاران این «گردهمایی» ها آنرا گردهمایی تقدیر از وزیر سابق کار و امور اجتماعی نام نهاده بودند کارگران از این فرصت استفاده کرده و این گردهمایی را به تجمع اعتراضی علیه مصوبه مجلس تبدیل کردند. متعاقب این ابتکار کارگران، علیرضا محبوب اظهار داشت که «حقوق اکثریت نباید در خیابان احقاق شود خواسته های آنان باید در مجلس و دولت اخذ شده و کارگران اعتصاب را تنها بعنوان ابزاری برای خود میخواهند» این اظهارات که کارگران را دعوت به تمکین به قوانین ارنجاعی و ضد کارگری کرده و خواستار مطرح کردن خواست ها در چهار چوب قوانین و در نتیجه مهار جنبش کارگریست، امروزه و بعد از همبستگی شوکومند کارگران نساجی اصفهان به سیاست روز جریانات و جناح بندی های مختلف درون رژیم تبدیل شده است. آنها خطر را بیخ گوش خود احساس کرده اند و مسلم است که هرچه که کارگران به قدرت و همبستگی و توانائیهای خود پی میبرند رژیم نیز در تلاش برای مهار و سرکوب آنان به شیوه های متعددی دست میازد کوشش بمنظور کشیدن حصار باصطلاح قانون به دذور مبارزات اعتراضی کارگران، و مجبور کردن آنها به تبعیت از تشکل های زرد و ارنجاعی نظیر شورا های اسلامی، انجمنها و احزاب و روزنامه تحت عناوین عوامفرب، خانه کارگر، شوراها ی اسلامی کار، انجمن های صنفی، روزنامه کار و کارگر و حزب کار و غیره از آن جمله میباشد. اما برغم اقدامات ضد کارگری این نهاد های ارنجاعی وابسته به رژیم، تظاهرات و همبستگی کارگران نساجی اصفهان، اینک در اعتصابات تظاهراتی کارگران

نساجی تهران، بهشهر تبریز و مشهد خود را نشان میدهد. اینها همه نشانه هنده این واقعیت است که کارگران دریافته اند که اگر شمشیر بران سیاست های ارنجاعی سرمایه جهانی که از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تعیین و توسط دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی در ایران به اجرا گذاشته میشود، اگر با سپر پولادین و یکپارچه جنبش کارگری به عقب رانده نشود وضعیت زندگی و معیشت آنها روز بروز بوخامت بیشتری گرائیده و هیچ کس هم پاسخگوی نخواهد بود. این تنها همبستگی کارگران و بویژه ایجاد تشکل های مستقل کارگری قدرتمند است که امید به پیروزی به سرمایه داران، مافیای مالی و نظامی و دولت ارنجاعی آنها ممکن میگردد.

بیاد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

هشتاد و پنجمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را پشت سرگذاشتیم، ساعت یک و نیم صبح بیست و پنجم اکتبر ۱۹۱۷ با اشغال ساختمان اداره مرکزی پست توسط گارد های سرخ کارگران قیام مسلحانه وارد مرحله ای سرنوشت ساز شد و تا صبح روز بیست و پنج اکتبر تقریباً تمام مراکز مهم دولتی و بانک ها و راه آهن و غیره به تصرف کارگران و سربازان مسلح در آمده بود و در ساعت ۱۰ صبح بیانیه پیروزی تحت عنوان «خطاب به شهروندان روسیه» توسط کمیته نظامی انقلابی صادر و پیروزی قیام اعلام گردید. و در ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر همان روز شورای نمایندگان کارگران و سربازان تشکیل جلسه داد و در این جلسه لنین با سخنرانی خود پیروزی را به مردم کارگر و زحمتکش روسیه تبریک گفت.

انقلاب اکتبر هرچند در روند خود بعلت یک سلسله اشتباهات سرانجام با شکست روبرو شد و لی دست آورد های آن برای بشریت آن چنان عظیم و فراموش نشدنی است که علیرغم تبلیغات بورژوازی باگذشت زمان اهمیت و عظمت آن در انظار جهانیان مشهود تر میگردد و ضرورت سرنوشتی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم بمثابه تنها راه نجات بشریت از، ستم و استثمار و جنگ و گرسنگی و سایر فجایعی که نظام سرمایه داری موجب و موجد آن است بیش از پیش درک میگردد.



بیاد
انقلاب کبیر

سوسیالیستی اکتبر

گرامی باد

بقیه از صفحه ۱

حضور طبقه کارگر متشکل ۰۰۰۰

پلنوم یازدهم شورای مرکزی علیه جنگ ، علیه تروریسم

عنوان اطلاعیه مشترکی که توسط واحد های حزب کمونیست ایران و اتحاد فدائیان کمونیست در استرالیا پیرامون جنگ در افغانستان صادر شده خلاصه ای از آنرا در زیر ملاحظه میکنید.

اطلاعیه ضمن اشاره به بمبارانهای مکرر ، بویژه بمباران مناطق مسکونی و بیمارستانها توسط آمریکا و متحدانش و تلاش آنها برای متقاعد کردن افکار عمومی جهان نسبت به موجه بودن عملیات نظامی خود ، با توسل به رسانه های گروهی ، به طرف دیگر جنگ نیز اشاره کرده و نوشته اند « طرف دیگر این جنگ ارتجاعی که نیروهای طالبان میباشد خود از عروسکهای ساخته شده « سیا » و دولت آمریکاهستند که روزگاری در دروران جنگ سرد جهت مقابله با شوروی سابق آن را ساخته و تقویت نمودند . « آنها ضمن افشای ماهیت بغایت ارتجاعی رژیم طالبان در ادامه مینویسند « لشگر کشی های آمریکا و متحدانش به افغانستان نه تنها نمیتواند ریشه تروریسم را بخشکاند ، بلکه باعث تحرک و تقویت هرچه بیشتر گروه های اسلامی تروریست در منطقه خواهد شد . هدف از این لشگرکشی برای آمریکا تثبیت و تحکیم سلطه خویش و مقابله با هرگونه حرکت آزادیخواهانه و دست یابی به ذخایر نفتی جهان بوده و در مقابل سهم توده های کارگر و زحمتکش ، فقر و کشتار و آوارگی و غوطه ور شدن در جنگهای ملی ، قومی ، مذهبی و نژادی چیز دیگری نخواهد بود در این میان بایستی عوامفریبی آمریکا و متحدانش در خصوص پشتیبانی افکار عمومی از جنگ و مظلوم نمائی طالبان و جنبش های سپاه اسلامی را افشا کرد . « آنها در ادامه مینویسند:

«جمهوری اسلامی که با حمایت مستقیم آمریکا و در تقابل با جنبشهای رادیکال و سوسیالیستی به سر کار آمد خود از دسته جات تروریستی اسلامی حمایت و آنها را تقویت نمود . و در طول سالها اعمال تروریستی دولت ایران مورد چشم پوشی قرار گرفته است . قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ ترور مخالفین سیاسی در داخل و خارج کشور و حمایت های مالی از گروه ها و دسته جات اسلامی در اکثر کشور های اسلامی ، خود دال بر تروریست بودن و تروریست پروری جمهوری اسلامی است . که بنا بر منافع سیاسی و اقتصادی مورد چشم پوشی قرار گرفته است . اطلاعیه ضمن توضیح وضعیت فعلی توده های زنجیده افغانستان ، در خاتمه از همه گروه ها ، احزاب کمونیست و مردم انقلابی و مترقی خواسته شده است تا با شرکت در تظاهرات ضد جنگ ، ماهیت واقعی آنها افشا کرده و از مردم زحمتکش افغانستان حمایت کنند .

در این پلنوم حول گزارش شورای مرکزی منتشره در به پیش درونی شماره ۷ بحث و تبادل نظر شد سپس طرح جدید سازماندهی مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام طرح پیشنهادی دفتر سیاسی با حثک و اصلاحاتی به تصویب رسید . علاوه بر آن قطعنامه هائی نیز در باره وضعیت سیاسی جاری و تحولات منطقه و جنبش کارگری صادر گردید . در راس تصمیمات پلنوم تشدید فعالیت در داخل کشور و الویت دادن به سازماندهی ارگانهای ضروری بمنظور گسترش فعالیت سیاسی در تمامی عرصه ها بویژه جنبش کارگری و تعیین تاریخ تقریبی برکزاری کنگره سوم قرار داشت . علاوه بر آن ، حول سازماندهی رادیو ، ارتقای کیفیت سایت سازمان ، انتشار منظم نشریه کار ، برنامه آموزشی در راستای پرورش کادر ، ضرورت طی دوره های آموزشی برای رفقای که به سازمان میپیوندند ، بویژه پیش برد برنامه مطالعاتی حول برنامه و اساسنامه ، تخصیص نیروی معین و فعالیت بیشتر برای پیش برد مواضع و سیاست ما در راستای استراتژی اتحاد های طبقاتی بحث و تصمیم گیری بعمل آمد.

به یاد چه گوارا!

چه گوارا کمونیست انترناسونالیست و مشعلدار انقلاب جهانی در قلوب میلیونها نفر زنده است . در نهم اکتبر ۱۹۶۷ زمانی که چه گوارا در بلیوی به اسارت در آمد و بدست مزدوران امپریالیسم کشته شد . سردسته جلادان و کسانی که دستور مرک وی را صادر کرده بودند هرگز تصورش را هم نمیکردند که چه گوارا بعد از مرگش نیز به استوره ای انقلابی و مشعلی فرا راه انسانهای مبارز در سراسر جهان تبدیل خواهد شد و در قلب میلیونها نفر جاودانه خواهد ماند ، یادش گرامی و راه اش پر رهرو باد .

آخرین اطلاعیه های سازمان
را از آدرس اینترنت
دریافت کنید!
www.fedayi.org
آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org

کارگران مبارز و پیشرو !
ما کارگران برای گرفتن حق
و حقوقمان و برای پیروز
شدن ، هیچ راهی جز
وحدت و تشکیلات نداریم
به صفوف سازمان فدائیان
کمونیست که سازمانی است
متعلق به کارگران
بپیوندید

بحث و تبادل نظر پیرامون تحولات سیاسی اخیر در عرصه جهانی

(میلیتاریسم و تروریسم)

تشکل های شرکت کننده:

۱- حزب کار ایران (توفان)

۲- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له)

۳- سازمان دانشجویان ایرانی- هلند (هوادار چریکهای فدائی خلق ایران)

۴- شورای کار

۵- فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

۶- کمونیست امروز

۷- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۸- کانون زندانیان سیاسی ایران- (در تبعید) - واحد هلند

یکشنبه ۹ دسامبر ۲۰۰۱ - ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر

آدرس:

BUURTHUIS LYDIA

ROELF HARTPLAEN 2 te AMSTERDAM

vanaf CS met tram 5 en 24

از ایستگاه مرکزی راه آهن با ترام های ۵ و ۲۴

این نشست توسط کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد هلند سازمان داده شده است

نشست مشترک حزب کمونیست ایران واحد استرالیا و سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد استرالیا

در زیراعلامیه پایانی نشست مشترک حزب کمونیست ایران واحد استرالیا و سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد استرالیا را که در ماه گذشته انجام گرفته است ، ملاحظه میکنید . ما برای رفقا در ادامه همکاریهای مبارزاتی مشترک آرزوی پیروزی میکنیم ! آگاهانماه !

به اطلاع و آگاهی عموم میرسانیم که ، حزب کمونیست ایران واحد استرالیا و سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد استرالیا پس از چندین نشست ، تصمیم به همکاری مشترک در راستای سیاست های حمایت از مبارزات و خیزشهای مردمی داخل ایران و بویژه مبارزات رو به گسترش کارگران و زحمتکشان را به شکل گسترده و همه گیر در در سطح سیدنی استرالیا گرفتند . بر همین اساس و با حد اقل های موجود که شامل ، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران ، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران را در نظر خواهد گرفت . از احزاب و سازمانها و منفردین سیاسی دعوت به همکاری مینمایند .

برای اطلاع و آگاهی بیشتر از مواضع و اصول حرکت مشترک ، میتوانید با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمازید .
۰۴۰۲۱۱۹۱۷۰ و ۰۴۱۱۱۲۴۸۹۳

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران !

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست ایران - واحد استرالیا
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد استرالیا

نشریه کار کمونیستی منتشر میشود

تم های اصلی این شماره ، عبارتند از روند جهانی شدن و تاثیر آن بر مبارزات کارگران ، اوضاع سیاسی جهان، منطقه (عمدتاً آسیای مرکزی) و ایران، بعد از ۱۱ سپتامبر و پیامد های آن طی سه ماه گذشته .

آدرسها و شماره فاکس
تهاس با سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست
kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/
Sweden

فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org

علاوه بر موضوعات اصلی خوانندگان نشریه میتوانند برای ستون طنز ، مطالبی طنز آمیز ، برای ستون انتقاد و انتقاد از خود نظرات انتقادی خود را از جمله در رابطه با سیاست های سازمان ما در تمامی عرصها و برای صفحه دید گاه ها ، دید گاه و نظر خود را نوشته و ارسال دارند .
از رفقا و خوانندگان گرمی تقاضا میکنیم مطالب خود را حداکثر تا ۱۵ دسامبر به آدرس نشریه ارسال کنند.

JAHAN - E- COMMUNISY
NOVEMBER 2001 NO 16

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی